

ارزیابی کیفیت مناطق شهری در برخورداری از فضاهای عمومی با استفاده از نمودار وزنی ورونی(نمونه موردی: شهر قدیم لار)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۰۴/۰۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۰۶/۱۹

مجتبی رفیعیان* (دانشیار گروه شهرسازی- دانشگاه تربیت مدرس)
مریم عظیمی^۱ (کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه هنر اصفهان)
حامد مقدم^۲ (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد صفاشهر)

چکیده:

فضاهای عمومی، فضاهای اجتماعی نظیر میدان های شهری، پلازاها، پارک ها و خیابان ها محسوب می شوند که به صورت باز بوده و دسترسی به آن ها، برای تمامی افراد، بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد، سن و سطوح اجتماعی- اقتصادی شان، بدون هیچ گونه مشکلی می باشد. سه طیف اساسی از ارزش های اجتماعی، به واسطه ی این فضاها به شهروندان ارائه می شود: ارزش های تفریحی و فراغتی؛ ارزش های محیطی و اکولوژیکی؛ ارزش های اجتماعی و معنوی. وجه دیگری که می تواند به این وجوه اضافه شود، ارزش عملکردی است که این فضاها عرضه می کنند. فضاهای عمومی به واسطه عملکردشان و طیف متنوع و گسترده مخاطبین، دارای بیش ترین سهم در حیات جمعی شهروندان هستند. از جمله روش های بهبود کیفیت محیط های شهری، افزایش کارآیی آن ها به عنوان مکان بروز تعاملات اجتماعی است. در این میان، نکته ای نیاز به توجه بیش تر دارد و آن، نحوه همپوشانی و کارکرد موجود در این فضاها، با یکدیگر است. هدف این پژوهش، دسته بندی کیفی فضاهای عمومی و محدوده های شهری تحت پوشش آن ها در شهر لار و تعیین مناطق برخورداری و یا بحرانی، از نظر کیفیت دسترسی ساکنین شهر به فضاهای عمومی است. در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، و با بهره گیری از پرسشنامه استاندارد ارائه شده توسط مؤسسه PPS، برداشت مؤلفه های کیفی

* نویسنده رابط: rafiei_m@modares.ac.ir

¹Email:azimi.1389@gmail.com

²Email:hamedm143@gmail.com

فضاهای عمومی، در ۳۱ نقطه شهر قدیم لار انجام گرفته است. در نهایت، پس از محاسبه ارزش کیفی هر فضا، با استفاده از نمودار وزنی ورونی، مناطق تحت پوشش آن، تعیین گردیده است. نتایج نشان می دهد که مناطق کم تر برخوردار از نظر دسترسی به فضاهای عمومی شهری، عمدتاً در شرق و جنوب شهر قدیم لار قرار گرفته اند. در نهایت، در مقاله برای بهبود وضعیت کنونی، پیشنهادهای لازم نیز ارائه گردیده است.

واژه های کلیدی:

بخش قدیم شهر لار (شهر قدیم لار)، روابط اجتماعی، فضاهای عمومی شهری، نمودار وزنی

ورونی.

مقدمه

فضاهای عمومی شهری مکان هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق داشته و با حضور انسان در آن ها و فعالیت او، معنا پیدا می کنند. همچنین کیفیت این فضاها در کیفیت زندگی مردم شهرها نقش مؤثری دارد، موضوعی که از دید اغلب طرح های شهری، که اغلب محدود به طرح های جامع، تفصیلی و موضعی می باشد، پنهان مانده است. طرح های موضعی در حوزه فضاهای عمومی نیز، اغلب معطوف به تک فضاها بوده و زیباسازی ظاهری و بهسازی عرصه های تردد پیاده را هدف قرار می دهد. مهجور ماندن موضوعاتی همچون: دگرگونی ساختار فضاها متناسب با نیازهای عملکردی مورد انتظار؛ بهره گیری از روش های اختصاصی برای سنجش فضاها؛ شناسائی نحوه پراکنش فضاهای عمومی؛ جامعیت در روابط میان فضاهای عمومی شهری (در مقابل پرداختن به تک فضا)؛ سبب شدت تا مسأله این پژوهش، بر پاسخگویی به بخشی از این نیازها قرار گیرد و به این سؤال پاسخ گوید که، آیا فضاهای عمومی شهرها، دارای پراکنش کیفی مناسبی بوده و منطقه های شهری، برخورداری همسانی از این فضاها دارند؟ و چگونه می توان این منطقه های شهری را تعریف کرد؟

شهر قدیم لار (استان فارس) واجد فضاهای عمومی ارزشمندی است که کم تر تحت تأثیر تخریب های ناشی از شهرسازی مدرن قرار گرفته و نمونه ای مناسب، جهت مطالعه در این زمینه به شمار می رود. بر همین اساس، هدف پژوهش، دسته بندی کیفی مناطق و پهنه های شهری در برخورداری از فضاهای عمومی، در یک شهر متوسط (شهر قدیم لار) و سنجش دسترسی کیفی شهروندان به فضاهای عمومی آن می باشد تا از این طریق بتوان با ایجاد همگونی محیط و باز توزیع فضاهای عمومی، به توسعه فضائی سکونتگاه مورد مطالعه کمک کرد. این مقاله با ارائه مفاهیم اولیه، مبانی نظری و سپس با انجام تحلیل ها و ارائه پیشنهادها، به این هدف پرداخته است.

مبانی نظری

فضاهای عمومی، مکان هایی هستند که غریبه ها در آن سهیم می باشند. مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. این فضاها عرصه سیاست، مذهب، داد و ستد، ورزش و فضایی برای همزیستی مسالمت آمیز و برخوردهای غیرشخصی هستند. (مدنی پور، ۱۳۸۷: ۱۴۶) اولدنبرگ، به این فضا، واژه مکان سوم، یعنی فضایی در کنار خانه و محل کار اطلاق می نماید، فضایی که میزبان تجمعات داوطلبانه افراد می باشد. (Oldenburg, 1999: 184) یورگن

هابرماس فضاهای عمومی را حوزه ای می داند که در آن، مردم به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می آیند. (هولاب، ۱۳۸۹: ۲۶) هابرماس که از نظریه پردازان عرصه عمومی است، دو شرط را برای عرصه عمومی برمی شمرد: بیان تضادهای ساختاری موجود در علایق جمعی و کاهش تصمیمات بوروکراتیک هدفمند. (Madanipour, 2003: 137) مدنی پور معتقد است که این فضاها، در تعامل عرصه خصوصی خانواده ها و عرصه عمومی بازار، و به وسیله توسعه فردگرایی در هر دو عرصه به وجود آمده است. (Madanipour, 2003: 174) مدنی پور دامنه‌ی حوزه‌ی خصوصی و عمومی را از خلوت ذهن تا فضای عمومی جهان گسترده دیده و تحقق آن را در لایه های مختلفی عینیت می دهد. به اعتقاد او، از شهرهای کوچک اولیه گرفته، تا کلان شهرهای امروز، نشانه هایی از عرصه عمومی یا فضای عمومی فرافردی آشکار است. (ماجدی، مدیری، ۱۳۸۵: ۳۷) بنابراین آنچه که بیان شد، ضرورت توجه به فضاهای عمومی شهری به علت وجود کارکردهای همه جانبه‌ی آن در ابعاد متفاوت اجتماعی (به عنوان بستر تعاملات اجتماعی شهروندان)، سیاسی و توسعه‌ی دموکراسی (به عنوان بستری برای تعامل و تفاهم میان حاکمان و شهروندان (قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۲))، و همچنین به عنوان مکان هایی سالم برای گذران اوقات فراغت شهروندان می باشد. علاوه بر این فضاهای عمومی از طریق افزایش توریست و سرمایه گذاری اقتصادی، کمک وسیعی در ایجاد سلامتی و بهبود کیفیت زندگی شهرها می نماید. این فضاها در تعیین هویت شهر و ارتقاء فرهنگ شهروندان نقش فراوانی دارند. (جعفری، زهتابیان، ۱۳۸۵: ۱)

بررسی سیرتاریخی فضاهای عمومی نشان می دهد که، نخستین فضاهای عمومی شهری، بناهای یادمانی و عام المنفعه ای همچون معبد "چاتال هیوک" در آناتالی هستند که پیشینه‌ی آن ها، کهن تر از آغاز شهرنشینی می باشد. همچنین، میدان به عنوان نقطه عطف فضاهای عمومی شهری، از یونان باستان تا قرن بیستم، محل وقوع مهم ترین و مردمی ترین رویدادهای جمعی شهروند اروپایی بوده است. این فضای عمومی که در یونان «آگورا» و در روم «فوروم» خوانده می شد (یا گونه مشابه دیگر آن، یعنی پلازا)، قلب تپنده شهرهای اروپایی و محل گردهمایی و تعامل های اجتماعی بود. اما با ظهور جنبش مدرن، با تکیه بر کارکرد گرایی، جدایی عناصر شهری، منطقه بندی و خلاصه کردن شهر به چهار عملکرد سکونت، کار، فراغت و تردد، فضای شهری به فراموشی سپرده شد. (Madanipour, 2003: 197) با این حال، از آغاز دهه ۶۰ قرن بیستم تا کنون، مفهوم "فضای شهری" با رجعت به کامیلوسیتته، گدس، مامفورد و سایر فرهنگ گرایان و طرفداران آمایش انسانی در شهر، با اتکاء به این استنباط که فضای

شهری جزئی از ساخت شهر است که از کلیت هماهنگ و پیوسته برخوردار می باشد، زنده نگه داشته شد. (Mumford, 1961: 11-18) بر این اساس، این فضا باید واجد نظم و زیبایی بوده و برای فعالیت های شهری سازمان پیدا کند. (Zucker, 1970: 3) در ایران، سابقه فضاهای عمومی شهری به فضاهای باز محصور در کنار راه ها یا محل تقاطع آن ها باز می گردد، که کارکردهای متنوعی داشته و میدان نامیده می شده است و نیز، میدان های کوچک تر درون محله ای که میدانچه نام داشت. (سلطان زاده، ۱۳۸۹: ۸۲) همچنین از گذشته دور، "ارسن" به عنوان جایی در قلب شهر که خدمات شهر یا محله، در حواشی فضای باز و یا میدانی شکل می گرفت؛ کارکرد داشته است. (جعفری، زهتابیان، ۱۳۸۵: ۳)

در نهایت، آنچه امروز این فضاها را جدی تر مطرح ساخته، حضور بیش تر در آن هاست؛ یعنی شهروند کنونی، نسبت به پیشینیان نیاز بیش تری به این فضاها دارد. (حسام، ۱۳۸۰: ۱۴) زیرا با افزایش سطح رفاه اجتماعی و توسعهی تأسیسات و تجهیزات شهری که بیش تر رفع نیاز مادی یا فیزیکی مردم را مرتفع می سازد، حس نیاز به فضاهای عمومی برای تبادل دیدگاه ها و اندیشه ها و افکار، تقابل رفتار و عمل و حتی به عرصه آوردن عواطف و احساسات انسانی را بیش از پیش نمایان کرده است. (صالحی، ۱۳۸۰: ۲۱)

روش پژوهش

هر چند در برنامه ریزی شهری، پهنه های تراکم، کاربری، فعالیت و... به کار می روند؛ اما اغلب روش های پهنه بندی با عوامل غیر همگن، در برنامه ریزی منطقه ای، آمایش سرزمین و ارزیابی توان محیط زیست کاربرد دارند. یکی از اولین و ساده ترین روش ها، روش کلی گرا و ادراکی [۱] است. در این روش، کارشناس با تجربه، با مشاهده ضمنی تعداد معدودی از مؤلفه های محیط، به تعریف پهنه های همگن، از نظر توان و تناسب اراضی می پردازد. روش دیگر، روش پارامتریک یک یا چند متغیره [۲] است که در آن، نقشه های پهنه بندی متغیرهای مهم تر، بر مبنای اهداف و به صورت جداگانه تهیه شده و از تلفیق نقشه ها، نقشه نهایی حاصل می گردد. این روش نیازمند حجم کار بالا بوده و در طرح های آمایش سرزمین به کار می رود. روش سیستماتیک، از ترکیب ارزش مؤلفه ها، واحدهای همگن به دست می آورد و مشکل آن، حجم زیاد کار و حصول تعداد بسیار زیاد پهنه ها می باشد. شیوهی دیگر، شیوه پارامتریک مبتنی بر تلفیق بهینه است که در آن، با توجه به نیازهای هر کاربری و تعیین میزان نقش آن، منجر به تخصیص آن پهنه به گروه کاربری دارای تناسب بالاتر می شود. فرآیند این روش، کم

حجم، کم هزینه و سریع بوده و نتایج آن، نسبتاً مطمئن است. (یاوری و بحرینی، ۱۳۸۰: ۸۰-۸۱) بنابر عدم استفاده از نوع کاربری و عملکرد فضاهای عمومی در این پژوهش، روش پارامتریک قابل استفاده نمی باشد. بنابراین، روش به کار رفته، نوعی روش ترکیبی مبتنی بر بهره گیری از تلفیق و جمع بندی ارزش های ناهمگن فضائی، با استفاده از تکنیک های ارزش گذاری سلسله مراتبی، و سپس، امتیاز دهی وزنی به روش دلفی بوده و در نهایت به روش نمودار وزنی ورونی [۳]، نقشه نهایی پهنه بندی تهیه می شود. مزیت این روش، کمی سازی و ترکیب کلیه مؤلفه های ناهمگن و دستیابی به یک عدد نهایی، امکان انجام عملیات توسط رایانه، سهولت و زمان کوتاه محاسبه و در نهایت، تهیه تنها یک نقشه نهایی می باشد. همچنین از دخالت نظرهای شخصی متخصص جلوگیری می شود تا کلیه عملیات، جنبه علمی خود را حفظ نموده باشد. بنابراین روش این پژوهش توصیفی-تحلیل بوده، زیرا به مطالعه و بررسی اسناد معتبر در زمینه فضاهای عمومی شهری پرداخته، سپس داده های حاصل از پیمایش در نمونه مورد مطالعه را با روشی که در سطور پیشین ذکر گردید، تحلیل نموده است. از آنجا که تعداد دقیق استفاده کنندگان از فضاهای مورد مطالعه، قابل دستیابی نبود، انتخاب نمونه با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده صورت گرفته و حجم نمونه برای هر فضا، ۲۰ پرسشنامه تعیین شد. جامعه آماری، کلیه استفاده کنندگان از فضاهای عمومی در هنگام مراجعه می باشد. همچنین برای بررسی کیفیت فضاهای عمومی که برای ارزش گذاری فضاهای عمومی شهر قدیم لار ضروری است، از سنجه ها و معیارهای کیفی فضاهای عمومی [۴] و سؤالات پرسشنامه استاندارد مؤسسه PPS [۵] (www.pps.org) استفاده شده است. (رفیعیان، سیفائی، ۱۳۸۴: ۲۴)

معرفی عرصه مورد مطالعه

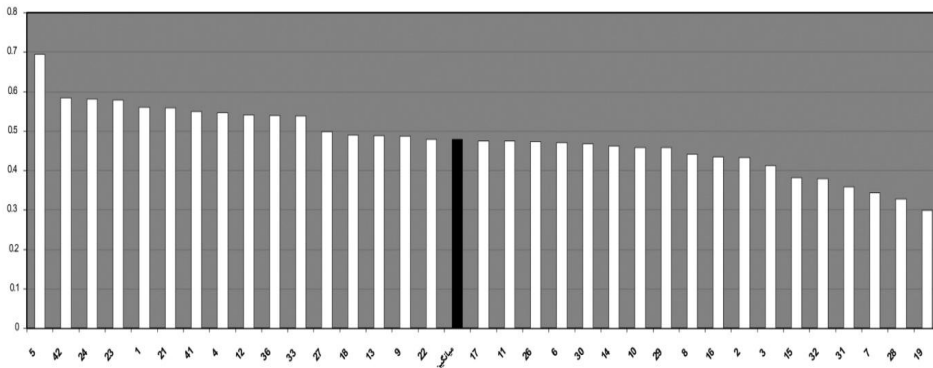
بافت های تاریخی، بیش تر در مراکز شهرهای قدیمی واقع شده اند. (اسدیان، سیاحی، ۱۳۹۰: ۲) اگر چه در بافت های قدیم، کیفیت های متعددی همچون دسترسی ها، استحکام ابنیه، الگوهای توسعه و توجه مدیریت شهری به بافت و... دارای ضعف می باشد، اما این فضاها به لحاظ حضور اجتماعی، روابط میان فردی و مشارکت مردمی (به معنای فرآیندی عقلانی از سوی مردم، با قبول گوشه ای از مسؤولیت به طور گروهی (رجبی، ۱۳۹۰: ۳))، در سطح بالایی قرار دارند و یکی از نقاط قوت این گونه بافت ها، همین نکته است. همان گونه که ذکر گردید، فضاهای عمومی شهری، واجد کالبد مؤثری برای این مرادوات می باشد. بررسی عملکرد این فضاها در پهنه شهری و در یک مجموعه کارکردی منسجم (نه به عنوان تک فضا) از جمله

راه‌های درک پراکنش و ارزش خدماتی هر یک از آن‌هاست و کمک شایانی به جلوگیری از افول نقاط قوت بافت‌های قدیمی می‌نماید. شهر قدیم لار به عنوان نمونه‌ای که واجد فضاهای عمومی ارزشمندی در بافت قدیم یک شهر متوسط است، در این مقاله مورد مطالعه قرار می‌گیرد. شهر لار، در بخش مرکزی شهرستان لارستان واقع شده و دارای عرض جغرافیایی ۲۷ درجه و ۴۸ دقیقه و ۱۸ ثانیه تا ۲۷ درجه و ۴۱ دقیقه و ۳۷ ثانیه شمالی و ۵۴ درجه و ۱۷ دقیقه تا ۵۴ درجه و ۲۷ دقیقه و ۶ ثانیه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ می‌باشد. (انصاری لاری، صدری زاده، ۱۳۸۸: ۲) این شهر، پس از وقوع زلزله سال ۱۳۳۹ ه.ش. با مسأله نقل مکان بخشی از جمعیت تشکیل دهنده اش به "شهرجدید" و تقسیم شدن آن به دو بخش قدیم و جدید روبرو گردید. شهرقدیم به علت حفظ بسیاری از عادات، آداب و رسوم و خصوصاً ارزش‌های کالبدی خود، تا کنون توانسته است که به حیات فاخر خود ادامه دهد. بطور کلی، فضاهای عمومی این شهر در تمامی سلسله مراتب عملکردی (شهر، منطقه و محله) گسترده بوده و دسترسی به آن‌ها نیز، از این سلسله مراتب پیروی می‌نماید. یعنی فضاهایی که در مقیاس عملکردی شهری هستند، در کنار محورهای اصلی و مهم شهری، و فضاهای منطقه‌ای در کنار محورهای جمع و پخش کننده و در مفصل چند محله واقع اند و فضاهای محله‌ای و پاتوق‌ها، در قلب محله‌ها و در کنار محورهای اصلی محله قرار دارند. اغلب فضاهای عمومی شهر قدیم لار به علت آب و هوای گرم و خشک منطقه، محصور یا نیمه محصور می‌باشد که این موضوع، تأثیر فراوانی بر افزایش مدت ماندگاری در فضاهای عمومی دارد. لذا با توجه به حس تعلقی که مردم این منطقه به شهر قدیم و فضاهای ارزشمند آن دارند، مطالعه و بررسی آن‌ها در قالب این پژوهش در برخورداری ساکنان از فضاهای عمومی و دسترسی هر چه بیش‌تر آن‌ها به چنین فضاهایی مؤثر است.

بحث و تحلیل

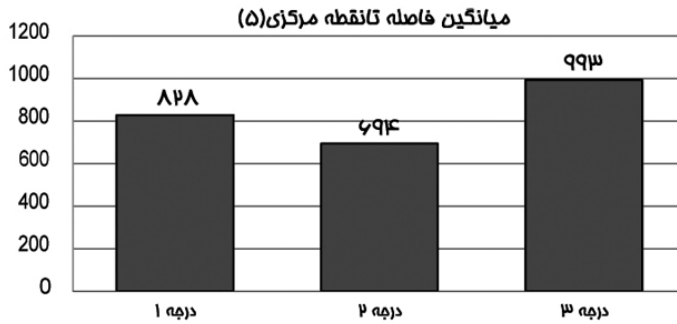
برای سنجش کیفیت فضاهای عمومی و ارزش‌گذاری آن‌ها، از ۴ مؤلفه پیشنهادی PPS، شامل اجتماعی‌پذیری، فعالیت و کارکرد، زیبایی و آسایش، دسترسی‌پذیری، استفاده‌شد؛ هر مؤلفه، حائز تعدادی زیر مؤلفه است. برای سنجش زیر مؤلفه‌ها، بر مبنای پرسشنامه استاندارد مؤسسه PPS، سؤالاتی طرح شد. هر یک از ۳۱ فضای مورد مطالعه، توسط ۲۰ پرسشنامه‌مورد ارزیابی قرار گرفت؛ بنابراین حجم بالای داده‌ها، متضمن صحت و دقت کار می‌باشد. به منظور امتیاز دهی به هر سؤال، به هر گزینه آن، عددی بین ۰ و ۱ (در طیفی ۵ گزینه‌ای) نسبت داده

شد. در نهایت با محاسبه میانگین امتیاز هر سؤال در مجموع پرسش نامه های هر فضا، امتیاز زیر مؤلفه های ۴ مؤلفه نام برده، در هر فضا، با توجه به سؤالات مربوط به هر زیر مؤلفه محاسبه گردید. سپس با تهیه ماتریس های نسبت ارزش میان زیر مؤلفه های هر مؤلفه و بهره گیری از روش دلفی [۶] (Delfi) و جمع بندی ماتریس ها، ضریب ارجحیت زیر مؤلفه های هر مؤلفه، نسبت به یکدیگر، تعیین و بر همین مبنا، وزن هر زیر مؤلفه مشخص شد. به همین روش، ارزش مؤلفه ها نیز محاسبه شده و از ترکیب وزنی ارزش مؤلفه ها، امتیاز نهایی هر فضا برای سهولت در مقایسه و تحلیل ها به دست آمد. نمودار شماره ۱ امتیازات نهایی فضاهای برداشت شده را که از فرایند امتیازدهی سلسله مراتبی (به شرح فوق) به دست آمده اند، نشان می دهد. این فضاها بر مبنای شیب منحنی این نمودار، به ۴ دسته تقسیم شده اند. بجز فضای مسجد جامع که به تنهایی ارزش برتر را کسب نموده و در یک دسته مجزا قرار گرفته است، سایر فضاها در دسته هایی با درجه ارزشی ۱ تا ۳ تقسیم شده اند. سپس، فاصله زمینی هر نقطه (فضا) تا نقطه مرکزی (یعنی مسجد جامع)، محاسبه شده است و میانگین این فواصل در هر دسته، بر حسب درجه‌ی ارزشی نقاط، در نمودار شماره ۲ آمده است.



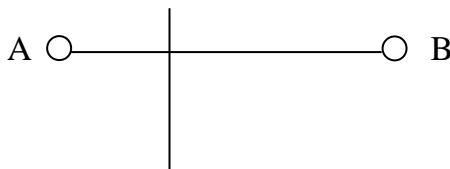
نمودار شماره ۱: امتیاز نهایی فضاهای ۳۱ گانه مطالعه شده

مأخذ: نگارندگان برای استفاده در این پژوهش



نمودار شماره ۲: میانگین فاصله نقاط (فضاها) از نقطه مرکزی (مسجد جامع) بر حسب درجه ارزشی تفکیک شده در نقشه شماره ۱
 مأخذ: نگارندگان برای استفاده در این مقاله

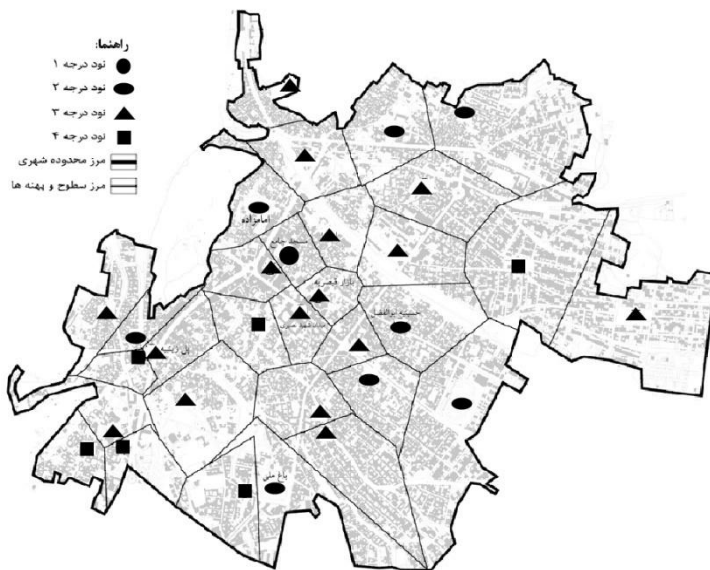
برای شناسایی میزان برخورداری مناطق شهری از فضاهای عمومی و کیفیت دسترسی شهروندان به این فضاها، تعیین ارزش هر فضا به تنهایی کافی نمی باشد و تعیین مرز و حدود این پهنه ها را می طلبد. روش مورد استفاده برای نیل به این هدف استفاده از نمودار وزنی ورونی (Veroni) (که این نمودار، مشابه تئوری نقطه جدایی [۷] در برنامه ریزی منطقه ای عمل می کند) می باشد. روش کار بدین صورت است که مرز میان هر دو نقطه (فضا)، با ترسیم عمود منصف وزنی آن نقاط تعیین می گردد. به طور مثال اگر نقطه A دارای وزن X و نقطه B دارای وزن Y و فاصله این دو نقطه d باشد، آنگاه خط عمود منصف طوری ترسیم می شود که سهم نقطه A برابر خواهد بود با: $\left(\frac{x}{x+y}\right)d$ و سهم B برابر است با: $\left(\frac{y}{x+y}\right)d$ (دیاگرام ۱)



دیاگرام شماره ۱: نحوه عملکرد منحنی ورونی

به عنوان مثال، اگر وزن A برابر ۵ و وزن B برابر ۱۰ باشد، این دو نقطه با نسبت $\frac{2}{3}$ و $\frac{1}{3}$ از طول پاره خط، صاحب سهم از محدوده می باشند و نقطه B محدوده بزرگتری خواهد داشت. بدین روش، بین تمامی نقاط (فضاهای) مجاور، بر اساس امتیاز آن فضا، عمود منصف های وزنی ترسیم شده و اتصال و امتداد این عمود منصف ها از فضاهای مختلف، سطح و مرز پهنه ها

را تشکیل داده اند. مرز پهنه ها در نقشه شماره ۱ آمده است. اما هدف، محاسبه عدد برخورداری پهنه های به دست آمده از فضای عمومی بود؛ پس در نهایت، برای محاسبه آن، مساحت هر پهنه بر امتیاز هر فضا (برگرفته از نمودار شماره ۱) تقسیم می گردد. جدول شماره ۱ نشان دهنده امتیاز مساحت محدوده تحت پوشش هر فضا و این نسبت در کل محدوده ها می باشد، همچنین نمودار شماره ۳ مساحت محدوده تحت پوشش هر فضا و نمودار ۴ نتایج حاصل از به دست آوردن نسبت های فوق را نشان می دهد. نمودار ۴ بر اساس اعداد نسبت های فوق از کم ترین مقدار تا بیش ترین مقدار نشان می دهد. به کمک شیب نمودار شماره ۴ از اعداد برخورداری پهنه ها، پنج طیف در این اعداد قابل شناسائی است که به کمک آن، می توان ۵ طیف (برخورداری، نسبتاً برخوردار، برخورداری متوسط، برخورداری کم و بحرانی) را معرفی نمود. اعداد کم تر نشان دهنده آن است که شاخص کیفیت، در سطح کوچک تری ارائه می شود؛ پس منطقه برخوردارتر را به خود اختصاص داده و اعداد بیش تر، نشان دهنده آن است که شاخص کیفیت، محدوده بزرگتری را تحت پوشش دارد؛ پس منطقه بحرانی را به خود اختصاص داده است. این ۵ طیف در نقشه شماره ۲ مشخص شده است.

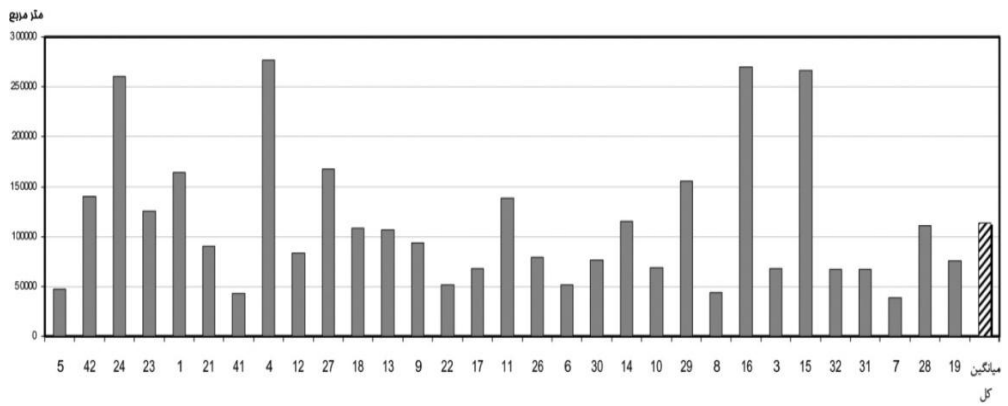


نقشه شماره ۱: درجه بندی کیفیت نقطه ها (فضاها)، پراکنش آن ها و محاسبه مرز پهنه ها در فضای کالبدی شهر قدیم لار
 مأخذ: نگارندگان

جدول شماره ۱: محاسبه نسبت مساحت به امتیاز نهایی هر فضا

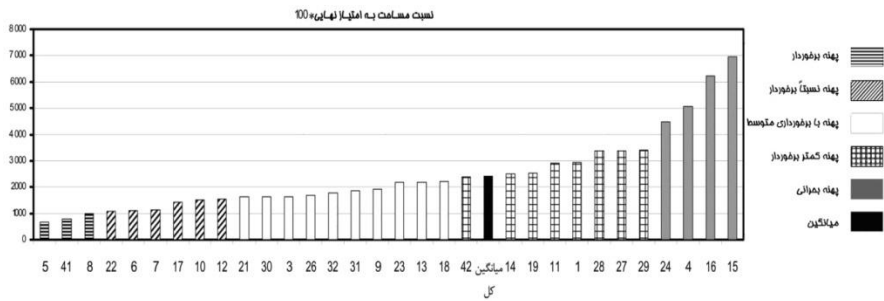
شماره فضا	5	42	24	23	1	21	41	4	12	27	18	13	9	22	17	11	26	6	30	14	10	29	8	16	3	15	32	31	7	28	19	میانگین کلی
امتیاز نهایی	0.695	0.585	0.581	0.579	0.560	0.559	0.549	0.546	0.542	0.498	0.490	0.489	0.487	0.480	0.475	0.475	0.473	0.471	0.468	0.462	0.458	0.457	0.442	0.434	0.412	0.382	0.380	0.358	0.344	0.329	0.299	0.476
مساحت محدوده تحت پوشش	47344	139886	262212	125648	164218	90593	42671	276770	83454	167628	108312	106552	93383	51240	67541	138125	76281	51949	76515	115588	88679	155973	43995	272025	67566	266962	67223	67125	39072	110563	75437	1135
نسبت مساحت به امتیاز نهایی 100%	682	2389	4473	2169	2933	1620	782	5068	1541	3372	2209	2180	1918	1069	1422	2909	1675	1102	1635	2501	1502	3409	996	6220	1640	6999	1770	1674	1137	3365	2525	2384

مأخذ: نگارندگان



نمودار شماره ۳: مساحت محدوده تحت پوشش هر فضای عمومی

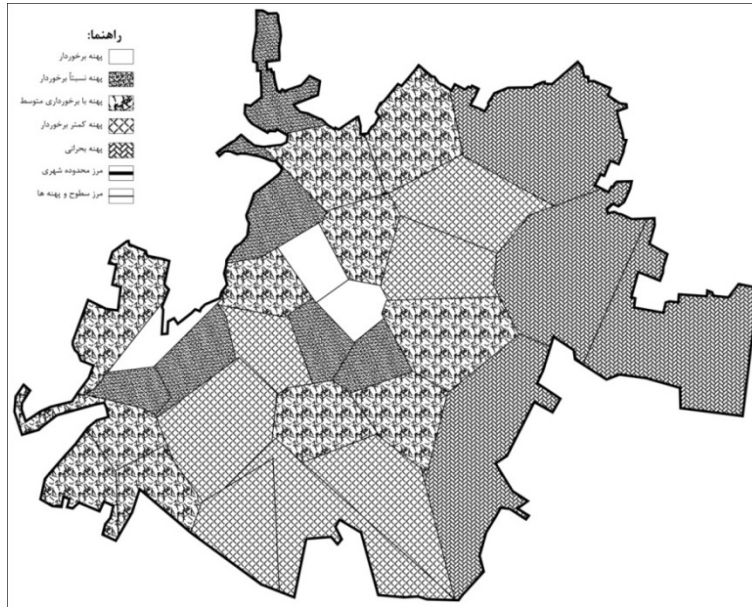
مأخذ: نگارندگان



نمودار شماره ۴: تعیین نسبت مساحت هر فضا به امتیاز آن و تشخیص میزان برخورداری هر فضا

(مرتب شده به نسبت میزان برخورداری، از چپ به راست)

مأخذ: نگارندگان



نقشه شماره ۲: تعیین کیفیت برخورداری مناطق و پهنه های شهری از فضاهای عمومی
 مأخذ: نگارندگان

مطابق نمودار شماره ۴، ملاحظه می گردد که پهنه های فضاهای شماره ۵ و ۴۱ و ۸، برخورداری از سایرین بوده و پهنه های نسبتاً برخوردار، حول آن ها قرار گرفته و سپس پهنه های متوسط دورتر قرار می گیرند و هر چه به سمت شرق و جنوب شهر حرکت می کنیم، این پهنه ها به سمت کیفیت پایین تر سوق می یابند. لذا می توان ادعا نمود که هر چه از مرکز به سمت حواشی شهر می رویم، از تراکم نقاط و فضاهای عمومی کاسته شده و بر مساحت پهنه ها افزوده می گردد. هر چند برخی از نقاط واقع در پهنه های جنوبی و شرقی، برابر نقشه شماره ۱، حائز ارزش و امتیاز بالائی می باشند؛ خلاء نقاط و دوری بیش از حد آن ها از یکدیگر، موجب کاهش شدید کیفیتی در حوزه های جنوبی و شرقی شهر را سبب شده است. این موضوع نشان می دهد که توجه کردن به تک فضا، بدون در نظر گرفتن فضاهای دیگر و همچنین، پهنه های تحت پوشش آن، روشی نادرست در تهیه طرح های شهری می باشد. بر اساس نمودار شماره ۲ ملاحظه می گردد که هر چه از مرکز دور شویم، نقاط، کیفیت بهتری می یابند (فضاهای درجه ۱، به نسبت فضاهای درجه ۲، فاصله بیش تری از مرکز دارند). البته این موضوع

درباره پاتوق های کوچک (فضاهای درجه ۳) صادق نیست؛ چرا که این پاتوق ها در مراکز شهری کم تر دیده می شوند. این دو مبحث به نوعی مغایرت معنی داری را نشان می دهند؛ از سویی، نقاط با دوری از مرکز، کیفیت بهتری می یابند و از سوی دیگر، پهنه ها با دوری از مرکز، از کیفیت شان کاسته می شود. این امر، نیاز مبرم ساکنان محدوده های بحرانی را نشان می دهد که با تمرکز بر تنها چند نقطه و فضای موجودشان (که اغلب به شکل پاتوق می باشند)، بر سطح کیفی و رضایتمندی و مراودات اجتماعی آن افزوده اند. بدین لحاظ است که این نقاط، هر چند که در نظر اول، نقاطی کم ارزش تلقی می گردند، اما در تحلیل کلیه عوامل مؤثر در کیفیت، حائز ارزش می گردند که این امر، نسبی بودن رضایت مندی از فضاها را تأیید می نماید و ضعف اغلب طراحان و برنامه ریزان، که عموماً با استفاده از برداشت های ظاهری فضا، در مورد آن تصمیم گیری می نمایند را گوشزد می کند. با مشاهده نمودار شماره ۳ می توان این گونه استنباط کرد که در پهنه های متوسط و کوچک، نسبت میان مساحت و ارزش فضا، کم تر تحت تأثیر مساحت است؛ این موضوع در بررسی جایگاه فضاهای شماره ۷ و ۳۱ و ۳۲ و ۱۹ و ۲۸ در این نمودار قابل استناد است، به طور مثال فضای شماره ۷ به استناد نمودار شماره ۳ در پهنه ای کوچک قرار گرفته، اما در نمودار شماره ۴ در پهنه نسبتاً برخوردار دسته بندی شده یا فضای شماره ۲۸ به استناد نمودار شماره ۳ در پهنه ای کوچک، اما به استناد نمودار ۴ در پهنه کم تر برخوردار واقع شده است. در حالی که در پهنه های بسیار بزرگ، این توازن به شکل قابل ملاحظه ای به نفع مساحت پهنه تحت پوشش، به هم می خورد، زیرا پهنه های تحت پوشش فضاهای شماره ۲۴ و ۴ و ۱۵ و ۱۶ به استناد نمودار ۳ مساحت بالایی داشته و به استناد نمودار ۴ در پهنه بحرانی واقع شده اند. این موضوع بر اهمیت توجه به تعدد فضاها در پهنه های حاشیه شهری که اغلب، کارکرد مسکونی دارند، تأکید دارد، تا بدین ترتیب با تعدد فضاها در این نواحی، از مساحت تحت پوشش فضاهای عمومی کاسته شده و میزان برخورداری از فضاهای عمومی شهری در این نواحی نیز بیش تر گردد.

نتیجه گیری و پیشنهاد

هدف اصلی در این پژوهش بررسی نحوه پراکنش کیفی فضاهای عمومی شهرقدیم لار، ترسیم پهنه تحت پوشش هر فضا و تعیین میزان برخورداری پهنه ها از ویژگی های کیفی فضاهای عمومی خود بوده و چنانچه گذشت ابتدا امتیاز فضاهای عمومی مورد مطالعه، بر اساس مؤلفه های کیفی پیشنهادی مؤسسه pps محاسبه گردید و به کمک نمودار وزنی ورونی بر

اساس امتیاز هر فضا پهنه تحت پوشش آن ترسیم گردید. سپس با تقسیم مساحت تحت پوشش هر فضا به امتیاز کیفی آن فضا، میزان برخورداری پهنه مورد نظر از فضای عمومی محاسبه گردید. نتایج بیانگر آن است که پهنه های برخوردار در مرکز شهر، در ناحیه ای که تعدد فضاهای عمومی با کیفیت را شامل می گردد، قرار دارد؛ و با دور شدن از این مرکز از کیفیت پهنه ها کاسته می شود به طوری که در حواشی شهر پهنه های بحرانی مشاهده می گردد. در این نواحی تعدد فضاهای عمومی بسیار کم تر از نقاط مرکزی شهر بوده و پهنه هایی با مساحت بیش تر را برای فضاهای عمومی ترسیم می نماید. لذا پیشنهاد می گردد که در نواحی حاشیه شهر بر تعدد فضاهای عمومی با کیفیت افزوده شود تا بدین ترتیب از مساحت تحت پوشش فضاهای عمومی کاسته شده و میزان برخورداری از فضاهای عمومی شهری در این نواحی نیز بیش تر گردد. همچنین پهنه های برخوردار و نسبتاً برخوردار در نقشه شماره ۲ نشان دهنده وجود یک راسته ارزشمند، از بازار قیصریه تا مسجد جامع و از آنجا تا امام زاده بوده و در کنار آن، محدوده متمرکز دیگری که در محل پل زینبیه و اطراف آن، قابل تشخیص است، واجد ارزش می نماید. بدین ترتیب پیشنهاد می گردد که راسته های مذکور با توجه به ارزش های موجود در آن ها و کم هزینه بودن اقدام های اجرائی جهت ایجاد اتصال ها و ارتباط های شهری مؤثر، مدنظر قرار گیرند. این دو محدوده، مجموعه ای از نقاط و پهنه های با کیفیت را به هم پیوند خواهند داد. از سوی دیگر، ملاحظه می گردد که در کل، میانگین امتیاز کیفی به دست آمده برای فضاهای عمومی شهر قدیم لار، برابر نمودار شماره ۱، پائین می باشد؛ لذا برای بهبود کیفیت این فضاها، تمهیداتی چون افزایش مدت ماندگاری در فضاها، اتصال و دسترسی میان فضاها جهت تحرک در فضا به جای ایستایی، انجام هزینه های کوچک در این فضاها به جای احداث فضاهای جدید و بزرگ و پر هزینه، احیاء ارتباط مسجد و بازار، تهیه طرح های جامع جهت توسعه فضاهای عمومی به صورت مدبرانه و ممانعت از برخوردهای سلیقه ای با این فضاها، از جمله مواردی است که باید مدنظر قرار گیرد.

پی نوشت ها:

[۱] Gestalt

[۲] Parametric evaluation

[۳] Veroni: این نمودار، مشابه تئوری نقطه جدایی (در برنامه ریزی منطقه ای) عمل می کند.

بدین ترتیب که مرز میان هر دو نقطه، به کمک عمود منصف وزنی آن نقاط تعیین می گردد.

[۴] برای مطالعهٔ بیش تر رجوع شود به PPS (spaceProject for public) (www.pps.org)،

که به عنوان مهم ترین و ارزشمندترین مأخذ در زمینهٔ پروژه های مرتبط با عرصه های عمومی

می باشد. این مأخذ با بررسی بیش از ۲۰۰۰ فضای عمومی در سراسر جهان دریافته است که

یک فضای عمومی در صورت داشتن ۴ مؤلفهٔ دسترسی و بهم پیوستگی Access & Linkage،

آسایش و منظر Comfort & Image، استفاده ها و فعالیت ها Uses & Activities و

اجتماعی بودن Sociability، فضای عمومی موفقی از بعد برنامه ریزی شهری خواهد بود.

[۵] Project for public space.

[۶] روش دلفی یک سری از پرسشنامه ها یا دوره های متوالی همراه با بازخواند کنترل شده ای

است که تلاش دارد به یک اتفاق نظر میان گروهی از افراد متخصص درباره ی یک موضوع خاص

دست پیدا کند.

[۷] The Breaking-Point Theory

منابع و مأخذ:

۱. اسدیان، ف.، سیاحی، ز. ۱۳۹۰. نقش الگوی مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی مطالعه موردی: محله ی عامری اهواز. فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ۱۲: ۱-۲۰.
۲. انصاری لاری، ا.، صدری زاده، م. ۱۳۸۹. نقش کاربری بهینه زمین در توسعه شهر لار. فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ۹: ۱-۱۱.
۳. جعفری، م.، زهتابیان، ش. ۱۳۸۵. خلق و توسعه فضاهای شهری. اولین همایش بین المللی شهربرتر، طرح برتر، همدان، ۱۲-۱۱ مرداد.
۴. حسام، ف. ۱۳۸۰. حوزه عمومی و تجلی آن در کالبد شهر. ماهنامه شهرداریها، ۳۰: ۱۶-۳۰.
۵. رجبی، آ. ۱۳۹۰. شیوه های مشارکت شهروندی در فرآیندهای توسعه شهری. فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ۱۲: ۱-۱۲.
۶. رفیعیان، م.، سیفائی، م. ۱۳۸۴. فضاهای عمومی و شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی. فصلنامه هنرهای زیبا، ۳۵: ۲۳-۴۲.
۷. سلطان زاده، ح. ۱۳۸۹. فضاهای شهری در بافت های تاریخی ایران. چاپ چهارم. دفتر پژوهش های فرهنگی با همکاری شهرداری تهران. ۲۱۴ صفحه.
۸. صالحی، ح. ۱۳۸۰. وظایف شهرداریها در توسعه فضاهای عمومی. ماهنامه شهرداریها، ۳۰: ۲۵-۲۱.
۹. قاسمی، م. ۱۳۸۳. میدان شهری، حیاطی شهری برای حیات شهری. ماهنامه شهرداریها، ۶۷: ۲۱-۲۷.
۱۰. ماجدی، ح.، مدیری، آ. ۱۳۸۵. عرصه عمومی، فضای روابط فرا فردی و میان فردی. فصلنامه آبادی، ۵۱: ۱۰۴-۱۰۸.
۱۱. مدنی پور، ع. ۱۳۸۷. طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندی اجتماعی-مکانی. ترجمه فرهاد مرتضایی. چاپ سوم. شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری. ۳۳۰ صفحه.
۱۲. هولاب، ر. ۱۳۸۹. یورگن هابرماس نقد در حوزه عمومی. ترجمه حسین بشرویه. چاپ ششم. نشر نی. ۲۸۸ صفحه.
۱۳. یاوری، ا.، بحرینی، ح. ۱۳۸۰. برنامه ریزی منظوردار با روش های ساده پهنه بندی سرزمین. فصل نامه محیط شناسی، ۲۷: ۷۹-۹۷.

14. Madanipour, A. 2003. Public and private spaces of the city. First Edition. Reutledge. 240.

15. Mumford, L. 1961. The city in history: Its Origins, Its Transformations, and Its Prospects. First Edition. Harcourt Brace Jovanovich. 657.
16. Oldenburg, R. 1999. The Great Good Place: Cafes, Coffee shops, Community Center, Beauty parlors, General stores, Bars, Hangouts, and how they get through the day. Third Edition. Marlowe. 336.
17. Zucker, P. 1970. Town and square: From the Agora to the Village Green. First Edition. Mit press. 298.
18. PPS. 2002. What Makes a Successful Place?. <http://www.pps.org>.